



امتیاز و مدیر مسؤل تأیید کند. هیأت نظارت بر مطبوعات، رأساً اجازه توقیف و لغو امتیاز نشریه را داراست.

هیأت نظارت می تواند صاحب امتیاز، مدیر مسؤل یا سردبیر یک نشریه یا هر سه را به طور دائم و یا برای همیشه از فعالیت مطبوعاتی محروم کند.

اگر هیأت نظارت تشخیص دهد که پرونده نشریه ای باید برای رسیدگی به دادگاه ارسال شود، آن نشریه تا زمان تشکیل دادگاه، حال هر زمان که باشد، نباید منتشر شود.

شورای امنیت می تواند نشریه ای را برای سه ماه توقیف کند. این مدت پیوسته قابل تمدید است.

دادگاه می تواند رأی هیأت منصفه را، که یک نفر از حوزه عملیه قم و یک نفر به انتخاب

می خواست تا آنجا که می تواند بر مسافرانش بیفزاید، لیکن کسانی کوشیدند حتی به قیمت زندانی کردنش، او را از این قطار پیاده کنند.

قانونی تنها برای یک فصل

دومین خیر، تصویب اصلاحیه قانون مطبوعات در مجلس بود؛ آن هم تماماً منطبق بر نظرات جناح راست. بسیاری بر این باور بودند که چون به زودی عمر مجلس پنجم به سر می رسد و اکثریت کنونی، در مجلس آینده اقلیتی شکننده خواهد داشت و این قانون عمری کوتاه، تصویب آن با جدیت پیگیری نخواهد شد، اما حتی پیش بینی ها درباره طولانی شدن زمان بحث در صحن مجلس هم درست از کار در نیامد و طرحی که روزنامه نگاران و صاحب نظران حقوق

مانده به اجرای حکم او می تواند با استناد به ماده ۳۱ دادرسانی کل کشور خواهان توقف اجرای حکم شود، اما به هنگام خروج شمس الواعظین از مجتمع ویژه، مأموران راه را بر او بستند و ضمن ابلاغ حکم، وی را به زندان اوین منتقل کردند تا ۹۱۶ روز حبس خود را (تا پاییز ۱۳۸۱) آنجا بگذرانند.

شب همان روز، شمس الواعظین از بند ۳۲۵ زندان اوین و اتافی که غلامحسین کرباسچی بخشی از دوران محکومیت خود را در آن گذرانده بود، با تحریریه عصر آزادگان تماس تلفنی گرفت و وضعیت خود را برای همکارانش توضیح داد. او گفت که اجازه یافته هر روز حدود یک ربع با کسانی که مایل است تلفنی صحبت کند و فرمی در اختیارش قرار گرفته تا فهرست روزنامه هایی را که می خواهد در آن بنویسد.

کسانی که در هنگام انتشار جامعه با شمس الواعظین در اتاق کارش دیدار داشتند، «وایت برد»ی را به یاد می آورند که طیفی بر آن نقش بسته بود، در یکسو انصار حزب الله و هیأت مؤتلفه و در سوی دیگر آن نام آیت الله منتظری و نهضت آزادی. شمس الواعظین برای پرسندگان توضیح می داد که روزنامه جامعه می خواهد تمامی نیروهای سیاسی غیر برانداز نظام جمهوری اسلامی را پوشش دهد و استدلال می کرد که دوم خرداد ۱۳۷۶ سبب گردیده بسیاری از افرادی که تا آن زمان از قطار جمهوری اسلامی پیاده شده بودند، بار دیگر بر آن سوار شوند. در یکی از همین دیدارها، روزنامه نگاری بحثی را در برابر سردبیر جامعه قرار داد: شاید دوم خرداد



یکی از یهودیان متهم به جاسوسی به پرسش های خبرنگاران پاسخ می دهد

ستاد ائمه جمعه به ترکیب آن اضافه شده و با حضور هفت عضو از ۲۱ عضو تشکیل می شود، نپذیرد.

تنها مدیر مسؤل، مسؤل مطالب منتشر شده نیست، بلکه نویسنده و تمامی کسانی که به نوعی در انتشار مطلب دخالت داشته اند، قابل تعقیب هستند.

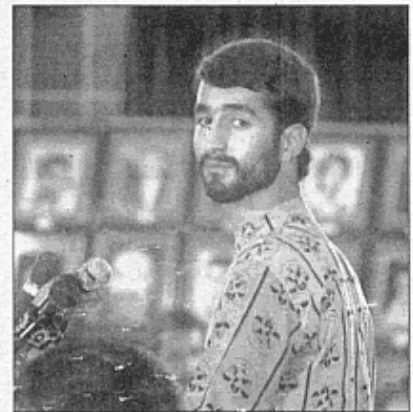
خلاصه مواد قانون جدید به گونه ای است که هر دادگاهی، دادگاه مطبوعات، انقلاب، ویژه روحانیت و ... می تواند هر یک از دست اندرکاران فعالیت های مطبوعاتی را به هر ترتیبی که بخواهد محاکمه و درباره آن حکم صادر کند.

توفان

نه به زندان افتادن شمس الواعظین، نه تصویب طرح مطبوعات و نه احضارها و محاکمات و تهدیدهای دیگر، هیچ یک در

مطبوعات، آن را در سراسر تاریخ مطبوعات کشورمان «بدترین» می دانستند، در اندک زمانی به تصویب رسید. نمایندگان اقلیت مجلس، هم بر اثر پراکندگی و تشتتی که از زمان انتخابات ۲۹ بهمن میان دو جناح کارگزار و گرایش چپ پدید آمده و هم به این خاطر که احساس می کردند نمی توانند کاری از پیش ببرند، در موضعی انفعالی نسبت به تصمیم اکثریت امیدها را به مرگ زودرس قانون تازه بر اثر تصمیم مجلس ششم احاله کردند. به هر حال تا آن زمان قانون مطبوعاتی خواهیم داشت که در آن:

سردبیران و مدیران بخش های مختلف یک نشریه، باید به وزارت ارشاد معرفی شوند و هیأت نظارت بر مطبوعات، که یک نفر از حوزه علمیه و یک نفر از سازمان تبلیغات اسلامی به ترکیب آن اضافه شده است، صلاحیت آن ها را همچون صلاحیت صاحب



سعید عسگر ضارب سعید حجاریان

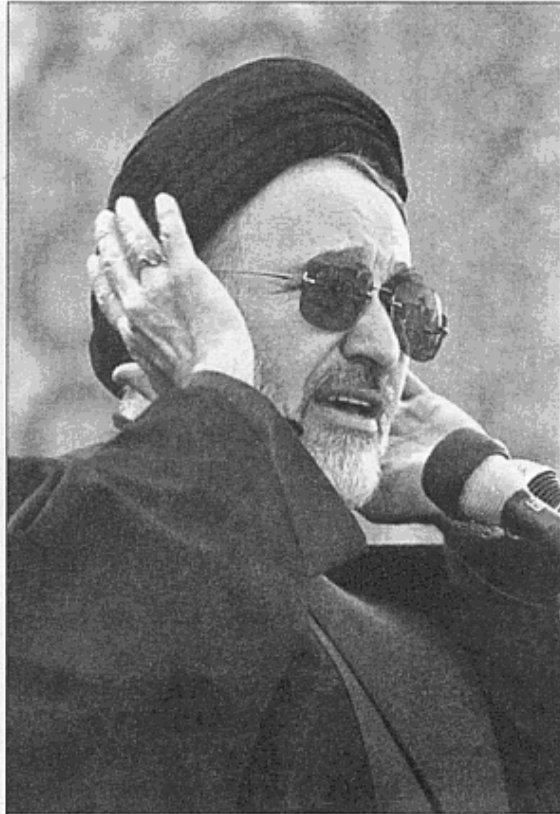
شاهدی باشد بر اینکه بسیاری کسان از قطار جمهوری اسلامی پیاده شده اند ماشاء الله شمس الواعظین اگر هر ۳۰ ماه را در زندان بگذرانند، قطعاً بسیار به این گونه مباحث خواهد اندیشید: به ویژه به قطاری که او

مجموع خارج از روند معمول فعالیت مطبوعاتی در کشورمان نبودند. حتی می توان گفت روزنامه نگاری کشورمان به تدریج به این حوادث خو گرفتند و چه بسا روزنامه نگاران با تجربه تراز این رویدادها به عنوان «نمک» کار یاد کنند. اما وقتی به یک اشاره هفده روزنامه و هفته نامه توقیف و صدها روزنامه نگار و کارکنان مطبوعات بیکار می شوند و صدها هزار مردمی که عادت کرده اند هر روز صبح اول وقت دو سه روزنامه را بخزند و بخوانند در برابر پیشخوان بی فروغ روزنامه فروشی ها با حسرت به نظاره می ایستند و آن چه را که می جویند نمی یابند و آن چه را که می یابند نمی خواهند حکایت، حکایت دیگری است.

کسانی که ساعت ۱۰ شب روز سی ام فروردین تلویزیون خود را روشن کردند، ناگهان

خود را نظاره گر گزارشی یافتند که نمایش آن در سیمای جمهوری اسلامی در تمامی سال های پس از انقلاب سابقه نداشت. این گزارش نیم ساعته، گزیده ای از ۱۶ ساعت سخنرانی شرکت کنندگان در کنفرانس «ایران پس از انتخابات» بود که در شهر برلین آلمان و به دعوت بنیاد «هاینریش بل» برگزار شده بود. آنچه از تلویزیون پخش شد، چند جمله ای از برخی سخنرانان دعوت شده از ایران و بقیه صحنه های اعتراض ایرانیان مقیم خارج به سخنرانان، شعار علیه جمهوری اسلامی، رئیس جمهور، هیاهو و دعوا، رقص یک خانم ایرانی و نگاتیو برهنه شدن یک مرد بود. چه بسا کسانی که در لحظات اول تماشای این گزارش، دچار تردید شدند و به گیرنده های تلویزیونی خود دست هم زدند!

بخش صحنه هایی از کنفرانس برلین، باز هم بنا به تجربه مردم از موضوعاتی چنین، در ذهن بسیاری این نگرانی را ایجاد کرد که باید در انتظار حادثه ای باشند. صبح روز سی و یکم فروردین، گرچه تقریباً همگان از پخش فیلم و شگفت زده شدن خود صحبت می کردند، اما در میان روزنامه های دوم خرداد تنها مشارکت فرصت یافته بود که چاپ نخست خود را متوقف کند و در خبر - یادداشتی اعتراض آمیز در صفحه اول خود به بخش فیلم اشاره کند و آن را به ویژه در شب های محرم و عزاداری شبهه انگیز بخواند. در افواه این



شایعه رواج داشت که احتمالاً قرار بوده در پی نمایش فیلم اتفاقاتی در سطح شهر نیز بیفتد که با صلاح اندیشی هایی موضوع متوقف شده است، لیکن نمایش دوباره و چند باره فیلم، نشان داد که دست کم بخش پایانی شایعه نادرست بوده است.

در فضایی اینچنین نگاه ها، متوجه برگزاری مراسم دیدار جوانان با آیت الله خامنه ای، گردید که از هفته ها قبل تدارک دیده شده بود. آیت الله خامنه ای نخست از جوانان، توانایی و قابلیت های آن ها گفتند و مسؤلیتی که نسبت به آن ها برعهده نظام است، سپس بحث سلطه طلبی آمریکا به میان آمد و هشدار که مبادا خامی کسانی، از حساسیت های مردم نسبت به این دشمن دیرینه بکاهد. در فراز پایانی، آیت الله خامنه ای، بی هیچ اشاره ای به کنفرانس برلین، بحث درباره مطبوعات را آغاز و گرچه با لحنی توأم با رنجیدگی اما با آرامش اظهار داشتند:

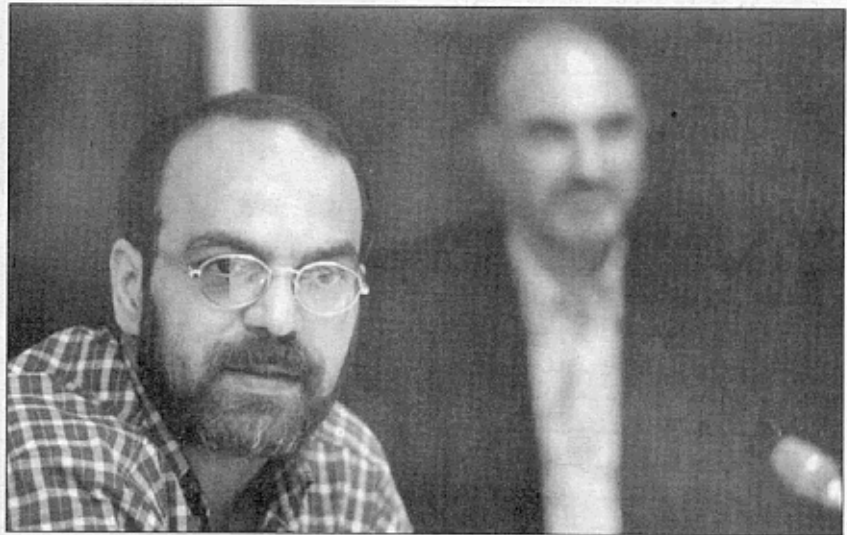
«بعضی از این مطبوعاتی که امروز هستند، پایگاه های دشمنند؛ همان کاری را می کنند که رادیو و تلویزیون های بی. بی. سی و آمریکا و رژیم صهیونیستی می خواهند بکنند»

رهبر انقلاب سپس از موافقت خود با آزادی مطبوعات و تنوع مطبوعات سخن گفت و این که اگر به جای ۲۰ روزنامه، ۲۰۰ روزنامه هم در ایران منتشر شود، ایشان خوشحال تر

خواهد شد: «این مطبوعات هر چه بیشتر باشند، بهتر است، اما امروز مطبوعاتی پیدا می شوند که همه همتشان تشویش افکار عمومی، ایجاد اختلاف و بدبینی در مردم و خوانندگانشان نسبت به نظام است. ۱۰، ۱۵ روزنامه، گویا از یک مرکز هدایت می شوند، از تیترهای شبیه به هم در قضایای مختلف استفاده می کنند، قضایای کوچک را بزرگ جلوه می دهند و تیترهایی استفاده می کنند که هر کس به آن ها نگاه کند تصور می کند که در این کشور همه چیز از دست رفته است.»

مقام رهبری در جمع بندی صحبت های خود به ذکر این نکته هم پرداخت که مایل نبوده اند با این صراحت و تفصیل درباره بعضی از مطبوعات حرف بزنند و در واقع ناگزیر شده اند: «من با مسوولان صحبت کردم. رئیس جمهور محترممان هم مثل من از مطبوعات ناراحت است؛ من با ایشان هم صحبت کرده ام. شنیدم ایشان بعضی از این ها را جمع کرده اند، نصیحت کرده اند و به آن ها حرف هایی زده اند. من نمی دانم آیا کار با نصیحت پیش می رود یا نه؛ بعید می دانم وقتی که دشمن برای اثرگذاری بر روی اذهان برنامه ریزی کرده، فرصت نمی دهند که مردم نفس بکشند.»

بجز جلسه صحبت رئیس جمهور با سردبیران روزنامه ها که در آن آقای خاتمی خواسته بود که مطبوعات بیش از پیش حساسیت های موجود در جامعه را رعایت کنند و بکشند از دامن زدن به التهاب پرهیز کنند، در جلسه ای نیز که قبل از نوروز به دعوت وزیر ارشاد تشکیل شده بود، علی ربیعی به نمایندگی از سوی شورای امنیت ملی و رئیس جمهور چنین خواسته ای را با مدیران مسوول روزنامه ها در میان گذاشته بود و حتی موضوعاتی را که شورای امنیت به صلاح نمی دانست که مطبوعات گرد آن بگردند (در نظر گرفتن تعلقات مذهبی در جامعه، حفظ حرمت روحانیت، نپرداختن به قتل هایی بجز چهار قتل رسماً پذیرفته شده، تعمیم دادن پرونده قتل ها به سال های قبل از ۱۳۷۶، بحث در باره وضعیت زندان ها قبل از سال ۱۳۶۸ و ... برشمرده بود. حتی دو هفته نامه صبح خبر داد که تعطیلی قبل از عید روزنامه آریا به دستور رئیس جمهور صورت گرفته است و در توضیح ادعای خود از قول منابع موثق نوشت: دستور توقیف آریا «به دنبال درج مصاحبه سردبیر ایران فردا در آریا صورت گرفت که فراز مهم آن چنین بود: به نظر من راه حل اصلی حل این پرونده (قتل های مشکوک) رفتن به گذشته و باز کردن پرونده اعدام وسیع زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ است که باید تمامی کسانی که در آن پرونده مشارکت داشتند در اولین قدم بر کنار و خانه نشین



ماشاءالله شمس الراعظین و لطیف صغری

نیروهای دوم خرداد به همراه روزنامه های باقی مانده صبح امروز، مشارکت، بیان و اخبار اقتصاد به انتقاد و اعتراض علیه تصمیم قوه قضاییه پرداختند و آن را مغایر با خواست مردم، موازین دموکراسی، در جهت منافع جناح اقتدار طلب، زمینه ساز اقدامات خشونت ساز بعدی و مقدمه ابطال انتخابات مجلس ششم دانستند. در مقابل جناح راست، به همراه مطبوعات خود و رادیو و تلویزیون که از زمان نمایش فیلم کنفرانس برلین، آشکارا تمایل خود را به محافظه کاران نمایانده بود، از تعطیلی نشریات استقبال و یا حداکثر ضمن ابراز تأسف آن را اجتناب ناپذیر دانسته بودند. روزنامه جمهوری اسلامی، در سرمقاله ای حتی تا آن جا پیش رفت که نوشت از رهبری نظام برای همیشه پذیرفته نیست که صرفاً به گله گذاری از مطبوعات بسنده کند.

در بیانیه روابط عمومی دادگستری استان تهران درباره علت صدور دستور توقیف موقت نشریات آمده بود که «به دفعات مکرر از مجاری مختلف در زمینه لزوم هوشیاری صاحبان مطبوعات... تذکر و هشدار داده و از آنان خواسته شد که عوامل نفوذی را از خود طرد کنند و اجازه ندهند بر خلاف قانون و مقدسات این ملت شهید پرور مطالبی در نشریات آنان درج گردد. لیکن متأسفانه معدودی از این افراد نه تنها به تخطفات خود ادامه دادند، بلکه روز به روز گستاخانه تر و همصدا با دشمنان قسم خورده مطالبی را علیه مبانی اسلام، انقلاب، ارزش ها، وحدت ملی و مصالح و منافع مردم منتشر کرده اند.» تا این جای بیانیه بیانگر ادبیاتی تازه و دور از انتظار نبود، لیکن در بیان مستندات تعطیل نشریات از اصطلاحات و واژه هایی که تا کنون به آن ها ارجاع داده می شد استفاده نشده بود بلکه از اصطلاحاتی مدد گرفته شده بود که کمتر کسی از آن ها اطلاع داشت:

«پس از تذکرات مکرر به این دسته از نشریات متخلف و انجام اقدامات تأمینی مکرر برای جلوگیری از وقوع و تکرار جرم و با توجه به شکایات وارده و نیز با استفاده از محتویات پرونده های متشکله دال بر اصرار به تخلف از مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ به منظور پیشگیری از وقوع جرائم بعدی که اثرات سوئی در اذهان و افکار عمومی داشته و موجب نگرانی اقشار مختلف جامعه می باشد، به استناد بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی و ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ دستور توقیف موقت تعدادی از نشریات مذکور را صادر نمودند.»

تا حقوقدانان و اصحاب جراید فرصت چند و چون در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی را بیابند و توضیح دهند که این قانون در زمینه

ندارد که در مطبوعه او هیچ خطا و اشتباهی نیست. خود او هم توضیح داد که نباید گمان کنیم که بحران ها در جامعه از مطبوعات ناشی می شود. در واقع مطبوعات بازتاب دهنده وقایع روز جامعه با نگاه های متفاوت هستند. وقتی مهاجرانی گفت که به عنوان وزیر ارشاد نه معتمد و نه به مصلحت می بینم که روزنامه ای را تعطیل کنیم، خبرنگار یک روزنامه محافظه کار خطاب به وزیر گفت که لحن سخنان و مواضع شما، پس از سخنان اخیر رهبری هیچ تفاوتی با قبل از سخنان ایشان ندارد، وزیر پاسخ داد: «اگر انتظار دارید که وزارت ارشاد از فردا شروع به تعطیل کردن روزنامه بکند، هر گز این وزارتخانه نه چنین اختیاری دارد و نه معتقد به چنین کاری است. اگر روزی من مجبور به تعطیلی روزنامه ها یا ترک وزارت بشوم، قطعاً وزارت را ترک خواهم کرد.»

کاری را که وزیر گفته بود حاضر به انجامش نیست، سه شعبه دادگاه مطبوعات فردای همان روز انجام دادند و ناگهان روزنامه های گزارش روز، بامداد نو، آفتاب امروز، پیام آزادی، فتح، آریا، عصر آزادگان، آزاد و هفته نامه های آبان، ارزش، پیام هاجر و ماهنامه ایران فردا توقیف شدند. خبر توقیف موقت این ۱۲ نشریه ساعت یک بامداد دوشنبه پنج اردیبهشت از طرف روابط عمومی دادگستری برای خبرگزاری جمهوری اسلامی ارسال شد و چنین بود که مسؤولان و کارکنان بعضی از روزنامه ها که با اطمینان یافتن از پایان کار فنی و انتشار روزنامه خود به خانه رفته بودند، صبحدمان به همراه خوانندگانشان، دریافتند که توقیف شده اند.

طبیعی بود که اتخاذ تصمیمی چنین از سوی قوه قضاییه بی بازتاب نماند. تشکل ها و

شوند» به نوشته صبح، که سپس روزنامه های جوان و کیهان نیز آن را نقل کردند، موضوع مورد اشاره در روزنامه آریا به حکم امام خمینی، پس از عملیات مرصاد اشاره داشت که «به مسؤولان ابلاغ کردند زندانیان محارب و منافقی را که همچنان بر موضع محاربه با نظام و همراهی با منافقین پافشاری می کنند، طبق احکام شرعی به اعدام محکوم نمایند. به نوشته صبح این حکم در شرایطی اجرا و صادر شد که آقای خاتمی، رئیس جمهور، سمت معاونت فرهنگی ستاد فرماندهی کل قوا را برعهده داشت و با جدیت از حکم امام حمایت کرده بود.»

بلافاصله پس از سخنرانی مقام رهبری، وزارت ارشاد از مدیران مسؤول مطبوعات خواست که در جلسه ای اضطراری شرکت کنند، روزنامه های کیهان، جمهوری اسلامی، رسالت و قدس با این استدلال که مخاطب آیت الله خامنه ای آن ها نبوده اند، از حضور در این جلسه خودداری کردند.

حاصل نشست را مهاجرانی با خبرنگاران در میان گذاشت و گفت که «قرار است مجموعه نظرات و مذاکرات مطرح شده در جلسه مدیران مسؤول مطبوعات در خصوص بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان در اختیار ایشان به عنوان یک پدر دلسوز و شفیق قرار دهیم... دست اندرکاران مطبوعات، اعضای انجمن صنفی روزنامه نگاران و مدیران مسؤول هم خواستار ملاقات با مقام رهبری و رئیس جمهوری برای ارائه برخی توضیحات و مباحث شدند.»

مهاجرانی همچنین گفت که اغلب مدیران مسؤول مطبوعات از به کار بردن این جمله که برخی مطبوعات پایگاه دشمن هستند، گله دارند ضمن این که هیچ مدیر مسؤولی باور